

وَصَلُّوا مِنَ الْمَسَاجِدِ فِي بَقَاعِ مُحْتَلِفَةٍ فَإِنَّ كُلَّ بَقْعَةٍ تَشْهَدُ لِلصَّلَاةِ عَلَيْهَا قَوْمَ الْقِيَامَةِ

در مساجد مختلفی نماز بخوانید!

روز قیامت، هر مکانی به طور ویژه برای نمازگزارش شهادت می‌دهد.

راویان مورد اعتماد از مولا امام صادق علیه السلام نقل کردند: بحار، ج ۸۰: ص ۳۸۴

همسنگر

انتقادهای، پیشنهادهای، ایده‌ها، جملات و خلاصه هر چیزی را که رنگ و بوی مسجد دارد برای ما ارسال کنید تا همین جا و در همین ستون منتشرش کنیم.

سامانه پیامکی: ۰۹۳۷... ۲۶۴۲

با سلام و تشکر از نشریه سنگر محله. لطفا بفرمایید این نشریه برای چه شخص حقیقی یا حقوقی است؟

سنگر محله: با سلام خدمت شما. همانطور که در شناسنامه درج شده این نشریه به کوشش کانون تربیت و مسجد مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی و همکاران محلی آن تهیه می‌شود.

نظرات ثبت شده در sangaremahalle.ir

محمد برزین

سلام

سرمقاله فوق العاده عالی بود

بخصوص نتیجه گیری ...

بهنام

خدا به شما خیر دهد.

ان شاء الله این کارها ادامه یابد و شاهد به روز رسانی باشیم.

بی واسطه

مطالبتان را برای ما ارسال کنید تا بی واسطه در این ستون چاپ شود. این شماره مهمان یکی از بسیجیان مسجد علی بن موسی الرضا علیه السلام در محله شهدا هستیم.

آقای علی هاشمی این شعر را در حرم حضرت رضاعلیه السلام سروده اند:

وقتی که غم میگیره راه گلومو بد جور

خدا خدا میکنم زیارتت بشه جور

گنبدو که مبینم دم بهاری میشه

شکوفه های دم امام رضایی میشه

سحر های مشهودو عالم به خود ندیده

امام به این رءوفی عالم به خود ندیده

پنجره فولاد تو حال و هوایی داره

میرم دخیل مبیندم عجب جوابی داره

دخیل اسمت میشم مرغ دم هوایی

تذکره ی زیارت برات کربلایی

برای من حریمت یه تیکه از بهشته

خادمای حریمت همه مئه فرشته

من که شمارو دارم غمی به دل ندارم

چون که روز قیامت همچو شمایی دارم

احکام

وضوی شیطانی!

وضویش نیم ساعت طول می‌کشد! چنان دقتی به خرج می‌دهد که نماز جماعت از کفش برود. اگر وضو آن قدر طول بکشد که اعضای قبلی خشک شوند، وضو باطل است. در ضمن در روایت وسواس در وضو عملی از شیطان شمرده شده است. (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۹۹)

مطالب نشریه را در تارغای

SangareMahalle.ir

دنبال کنید. با ما در ارتباط باشید!

نظر سنجی

به نظر شما سنگر محله باید به چه محورهایی بیشتر پردازد؟

سامانه پیامکی: ۰۹۳۷... ۲۶۴۲

پاسخ نظرسنجی هفته گذشته (امسال چند نفر از آشنایان شما به زیارت اربعین مشرف شده اند؟):

۰۹۱۲... ۲۷۵۸

سلام و خدا قوت

امسال بیش از ۲۰ نفر از آشنایان ما قصد رفتن دارند، امامکنه همشون نتونن ویزا بگیرن! مهم نیت اونهاست که خدا قبول میکنه

۰۹۳۵... ۲۵۸۹

راستش نمیتونم دقیقاً بشمارم. فقط هرکی رو میبینم داره زائر میشه. و طبق معمول من بی سر و پا جا ماندم...

مناسبت‌ها

• دوشنبه ۱۶ دی / ۴ ربیع الاول

• روز شهادت دانشجو* شهادت حماسی شهدای هویزه (شهید علم الهدی و یارانش) (۱۳۵۹ ش)

• جمعه ۲۰ دی / ۸ ربیع الاول

• شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) در سن ۲۸ سالگی (۲۶۰ ق)

• دوشنبه ۲۳ دی / ۱۱ ربیع الاول

• درگذشت آیت الله مجتهدی تهرانی (۱۳۸۶ ش)

زیر نعل‌ها همچو ارباب

راننده لودر تا بیل را در زمین فرو کرد ناگهان لباس فرم حسین مشخص شد. حسین روز عملیات تنها پاسداری بود که لباس فرم پوشیده بود. قلبم داشت از دهانم در می‌آمد. خیالم راحت شد لاقول جسدی از حسین باقی مانده است! به راننده گفتم: برو عقب. خاک‌ها را با دست کنار زدم. فانسقه خاکی دور کمر شهید مشخص شد. با کمال تعجب دیدم آن قران همیشگی که همراه سید حسین بود، زیر خاک است. قرآنی با امضای امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای. روی سینه حسین هنوز عکس کوچک امام و آرم سپاه نشسته بود.

خاک را کنار زدم. اما دیدم بر خلاف اجساد دیگر که استخوان‌هایشان سالم بود، جمجمه حسین خرد شده! تمام استخوان‌های تنش متلاشی شده بود. وقتی این صحنه را دیدم ناخودآگاه یاد صحنه کریلا افتادم و اسب‌هایی که جنازه شهدا را زیر پاله کرده بودند!

(یونس شریفی،

همرزم و دوست

شهید علم الهدی)



عبدالرحمن محمدی
مدرس و پژوهشگر

سنگر محله

دو هفته نامه تربیتی، مسجدی | شماره اول (۵+ پیش شماره) | نیمه دوم دی به کوشش کانون تربیت و مسجد مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

تحریریه: همه همسنگرهای مسجدی

برای دریافت نسخه پی دی اف نشریه به تارغای نشریه مراجعه کنید: SangareMahalle.ir

با ارسال اخبار، تصاویر و پیامک، حضور مسجد خود را در نشریه پر رنگ تر کنید.

سامانه پیامکی: ۰۹۳۷... ۲۶۴۲

sangaremahalle@chmail.ir

برای تولید نسخه ویژه محله خود با ما تماس بگیرید



امام روح الله: مساجد سنگرند سنگرها را حفظ کنید...

SangareMahalle.ir

سنگر محله

دو هفته نامه تربیتی، مسجدی | شماره یک (۵+ پیش شماره) | نیمه دوم دی ۱۳۹۲ | هزینه چاپ: ۲۰۰ تومان (اختیاری)

سرمقاله

فراخوانی برای سنگر محله

هر که دارد سر همراهی ما

بسم الله!

محمدحسین شاه آبادی

«ما می‌توانیم» آستین‌ها را بالا بزنیم و اصلاح را از محله خودمان آغاز کنیم. چون می‌خواهیم بگویم می‌شود همه مشکلات را حل کرد، اگر همه بخوانند... اگر



اگر بلندگویی

جلوی هر کدامان

بگذارند، می‌توانیم

ساعت‌ها از اشکالات خانواده

و محله و شهر و کشور و دنیایمان بگویم

و ناله‌ها بکنیم. حتی بعضی‌هایمان خیلی خوب

راه حل می‌دهیم. مثلاً فلانی باید این کار را بکند تا

اقتصاد حل شود و دیگری فلان کار را نکند تا بحران

فرهنگی ایجاد نشود.

اما یکی نیست بگوید چرا از خودمان شروع

می‌کنیم؟ گویند روی سنگ قبر کشیشی نوشته بود:



همه بخوانند،

نه گران‌فروشی خواهیم داشت نه

بدحجابی و بدلباسی؛ نه آلودگی دود و ترافیک خواهیم

داشت نه آلودگی موش و زباله‌دانی؛ نه معضل کسب و

اقتصاد خواهیم داشت، نه معضل فرهنگ و ماهواره...

البته اگر همه بخوانند!

حالا- ان‌شاءالله- از این

شماره یک آغاز مقدس خواهیم

داشت. آغازی که همه سنگرها

را فعال کند و همه را در

خوب‌نوشتن و خوب‌پخش

کردن و خوب‌خوانده‌شدن سنگر محله تشویق نماید.

اصلاً کار باید به جایی برسد که هر شماره از سنگر محله

را یک گروه از محلی‌ها بنویسند تا معلوم شود که همه

ما می‌خواهیم در ساختن محله خودمان کاری کنیم. پس

هر کس که می‌خواهد در این جهاد کاری کند، عکسی

ببندازد، یا متنی بنویسد، یا حرفی بزند... بسم‌الله!

«ما می‌توانیم» آستین‌ها را بالا بزنیم و اصلاح را از محله خودمان آغاز کنیم. چون می‌خواهیم بگویم می‌شود همه مشکلات را حل کرد، اگر همه بخوانند

در کودکی خواستم دنیا را تغییر دهم، نشد؛ در نوجوانی خواستم کشورم را تغییر دهم، نشد؛ در جوانی خواستم شهرم را تغییر دهم، نشد؛ در بزرگسالی خواستم محله‌ام را تغییر دهم، نشد؛ در پیری خواستم خانواده‌ام را تغییر دهم، نشد... دم مرگ فهمیدم اگر از همان اول خودم را تغییر

داده بودم، خانواده و محله و شهر و کشور و دنیا را می‌توانستم تغییر دهم...

حالا نوبت من و توست. ما می‌خواهیم از خودمان شروع کنیم؛ از خود، خانواده و محله خودمان!

پیش‌شماره‌های سنگر محله نشان داد که

داده بودم، خانواده و محله و شهر و کشور و دنیا را می‌توانستم تغییر دهم...

حالا نوبت من و توست. ما می‌خواهیم از خودمان شروع کنیم؛ از خود، خانواده و محله خودمان!

پیش‌شماره‌های سنگر محله نشان داد که

داده بودم، خانواده و محله و شهر و کشور و دنیا را می‌توانستم تغییر دهم...

حالا نوبت من و توست. ما می‌خواهیم از خودمان شروع کنیم؛ از خود، خانواده و محله خودمان!

پیش‌شماره‌های سنگر محله نشان داد که

داده بودم، خانواده و محله و شهر و کشور و دنیا را می‌توانستم تغییر دهم...

حالا نوبت من و توست. ما می‌خواهیم از خودمان شروع کنیم؛ از خود، خانواده و محله خودمان!

پیش‌شماره‌های سنگر محله نشان داد که

داده بودم، خانواده و محله و شهر و کشور و دنیا را می‌توانستم تغییر دهم...

حالا نوبت من و توست. ما می‌خواهیم از خودمان شروع کنیم؛ از خود، خانواده و محله خودمان!

پیش‌شماره‌های سنگر محله نشان داد که

داده بودم، خانواده و محله و شهر و کشور و دنیا را می‌توانستم تغییر دهم...

حالا نوبت من و توست. ما می‌خواهیم از خودمان شروع کنیم؛ از خود، خانواده و محله خودمان!

پیش‌شماره‌های سنگر محله نشان داد که

یادیاران

صندلی باوفا

از همان کودکی بارها شنیده بود که صندلی وفا ندارد. بیست و دو سالش نمی‌شد که یک صندلی قسمت او شد. او، حالا دقیقاً ۲۷ سال است که با آن صندلی اخت شده است.

گویا این بار آن قانون همیشگی می‌خواهد

نقض شود و این صندلی چرخدار تا روز

شهادتش با او بماند...



نکته

قدمهائیتان را منظم کنید

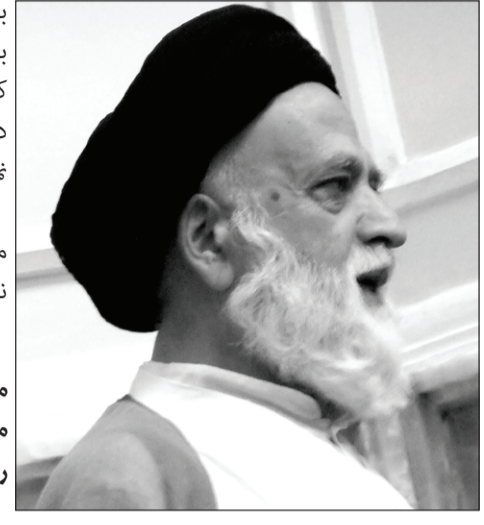
زیاد پیش آمده که وارد مسجد شده‌ایم و کفش‌های نمازگزاران جلوی ورودی مسجد رها شده و بدون هیچ نظم و ترتیبی، روی هم‌دیگر افتاده اند و سایر نمازگزاران هم مجبورند پا روی کفش‌ها بگذارند و وارد مسجد شوند. حالا فکرش را بکنید فردی مانند امام خمینی (ره) با چنین صحنه‌ای مواجه شده باشد، به نظر شما چه اقدامی کرده‌اند؟ ایشان حاضر نشدند پا بر روی کفش‌ها بگذارند و وارد مسجد شوند!

نظم را از درآوردن کفش‌هایتان به مسجد هدیه کنید.



همه‌اش به برکت «شهدا» است...

گفتگوی صمیمانه سنگر محله با حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر حسینی



حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر حسینی، چهره نام آشنا برای خانواده‌های ایرانی است که برنامه تلویزیونی «اخلاق در خانواده» وی، برای بزرگ‌ترها، خاطرات شیرین دهه ۶۰ و ۷۰ را یادآوری می‌کند. همین نکته بهانه خوبی بود که سنگر محله به مسجد فائق در خیابان ایران برود و به یک گپ صمیمانه با این استاد اخلاق بنشیند.

سنگر محله: حاج آقا این که می‌گویند «مسجد سنگر است» یعنی چه؟

سنگر پناهگاهی است که جان پناهندگان را از تیرهای دشمن حفظ می‌کند. از پشت این سنگر می‌توانند دشمن را رصد کنند، فعالیت‌های آن را ببینند و فعالیت مناسب را انتخاب کنند. مسجد پناهگاه از شیاطین جن و انس است. نمازی که در مسجد است، شیاطین را دور می‌کند. در حدیث داریم که شیطان پیوسته از مومنین بیمناک است و تا موقعی که مومن به نمازهای پنج‌گانه خود اهتمام می‌ورزد، وسوسه و آشوب نمی‌کند.

سنگر محله: چه طور می‌شود یک مسجد نسبت به مسجد دیگر بیشتر سنگر باشد؟

سنگر بودن بر اساس ذکر خدا معنا پیدا می‌کند. هر چه یاد خدا بیشتر باشد، سنگر بودن معنای برتری پیدا می‌کند. خداوند می‌فرماید: ان بیوتی فی الارض مساجد. یعنی مساجد خانه‌های من در زمین هستند. خوشا به حال بنده‌ای که در خانه خود وضو بگیرد و طاهر شود، سپس به مسجد در آید و مرا زیارت کند.

سنگر محله: حاج آقا به سنگر خود از ۲۰ چه نمره‌ای می‌دهید؟

منفی دویست! ما باید خود را با مسجد رسول‌الله بسنجیم و فاصله‌ها را جبران کنیم. فاصله ما خیلی زیاد است.

سنگر محله: به نظر خودتان، مهم‌ترین ضعف و نقطه قوت مسجدها چیست؟

ارتباط مومنین. هر چه این ارتباط بیشتر باشد نمره

بیشتر می‌شود. مومنین علاوه بر اقامه نماز، باید از یکدیگر کارگشایی کنند و همدیگر را در زندگی دنیا و آخرت یاری نمایند.

اگر قوتی باشد در نماز مومنین است که موجب نورانیت مسجد می‌شود.

سنگر محله: شما دل‌تان می‌خواهد که مردم و مخصوصاً جوانان انتقاد خود را چگونه به شما بگویند؟

به صورت شفاهی و کتبی بیان می‌کنند. اگر تشخیص دهیم درست است، اصلاح می‌کنیم. مثلاً بگویند هوای مسجد گرم است...

سنگر محله: نه حاج آقا! انتقاد از خودتان؛ مثل آرام خواندن نماز؟

بله می‌گویند. به یکی گفتند فلان امام جماعت مستحبات را در نماز می‌گوید، گفت اگر می‌خواهید من واجبات را هم می‌گویم!

سنگر محله: سخنرانی بین دو نماز چه؟ آیا انتقاد درست است؟

در مسجد باید فضای تعلیم و تربیت باشد. باید مردم را عادت بدهیم که به احادیث گوش دهند. یکی از بهترین زمان‌هایی که شیطان از ما دور است، همین بین دو نماز است. البته باید کوتاه باشد تا حوصله مردم سر نرود.

سنگر محله: حاج آقا مسجد شما پنج شهید دارد. چه احساسی دارید؟

ما به برکت شهدا مسجد را ساختیم، الان هم شهدا هستند که مردم را به خود و به نورانیت مسجد دعوت می‌کنند. همه‌اش به برکت «شهدا» است.

سنگر محله: در پایان، چه توصیه‌ای برای «سنگر محله» دارید؟

این که غیر از مصاحبه، تحقیقات میدانی از مومنین داشته باشید. تک‌تک و جمعی با مومنین صحبت کنید و نظرات آنان و کمک‌هایشان را به مسجد منعکس نمایید.

قرآن



که فقط آهنگش را دوست داری و نکته‌های علمی اش را در کلاس‌های تفسیر بازگو می‌کنی انتظار داری که انسان‌ساز و جامعه‌ساز باشد و دوست را عزیز و دشمن را دلیل کند؟ هیئات! مگر می‌توان از مسیر انحرافی به آرمان اصلی رسید؟ پس واقعا این قرآن دیگر معجزه نیست!

معجزه قرآن نه در مسائل علمی است و نه در مسخ کردن اهانت‌کنندگان، معجزه قرآن در هدفش یعنی «هدایت» است. حتی این که می‌گویند قرآن از جنس اندیشه است و هدفش را در همان باید جستجو کرد، درست نیست؛ زیرا هدایت قرآنی همه اندیشه‌ها، بینش‌ها و گرایش‌ها و رفتارها را شامل می‌شود و آن کس را که دل بدهد، به راه می‌آورد و به مقصد می‌رساند.

اما چه کنیم که همه مشکل در این «دل ندادن» است...

قرآنی که دیگر معجزه نیست!

کافی است کلمه «اعجاز قرآن» را در گوگل جستجو کنیم تا بفهمیم از شرق تا غرب عالم معجزه قرآن را در چه چیز می‌دانند؟ بعد از اعجاز ادبی، یا درباره مباحث علمی نوشته‌اند، یا کسانی را که به قرآن بی احترامی کرده‌اند و مسخ شده‌اند، گزارش نموده‌اند. حتی هیچ خبری از کسانی که با قرآن شفاء پیدا کرده‌اند، نیست. درحالی که نه اعجاز علمی ادعای قرآن بوده است و نه مسخ شدن توهین‌کنندگان، حداقل یک آیه «و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِینَ» وجود داشت که آن را هم کسی بها نداد. انکار این قرآن دیگر معجزه نیست!

وقتی هدف گم شد، راه هم بی‌راهه می‌شود و به جای آب، سر باها پدیدمی‌آیند. حالا تو از قرآنی

یادداشت

بر در دُکان شیطان

داستان ردای عجب!



دیروز به طور اتفاقی از جلوی دُکان شیطان رد شدم. فریب می‌فروخت. مردم دورش جمع شده بودند و هیاهو می‌کردند. اوضاعی بود که نگو و نپرس. هر کسی چیزی می‌خرید و در عوض چیزی می‌داد.

یکی قسمتی از عقلش را در دست گرفته بود و موسیقی جدید می‌خواست. شاگرد مغازه پیشنهاد کرد کمی شراب هم بخرد و در عوض تمام عقلش را بفروشد.

دختر بیچاره‌ای، حیایش را فروخت تا قسمتی از قلب پسری را از شیطان بخرد که قبلا همان پسر به شیطان داده بود.

آن دیگری با دهان خون‌آلود آمده بود و گوشت می‌خواست. گوشت برادر مؤمنش را تا امشب گرسنه نخواهد!

مردی سیاه‌رو سعادتش را آورده بود برای فروش تا تکه‌ای مال حرام بر سر سفره زن و بچه‌اش بگذارد.

پسر نوجوانی اما آن گوشه تنها و زخمی ایستاده بود و به زنانی می‌نگریست که برای خرید ذره‌ای توجه ایمانشان را به حراج گذاشته بودند. شاگرد شیطان تیرهایش را به قلب پسر می‌زد.

دیگر داشت حام بد می‌شد. عصبانی بود. سرش داد زد که ای نامرد! این چه کاریست که با مردم می‌کنی؟! اما انگار کسی فریاد مرا نشنید. همه مشغول کار خودشان بودند. ناگاه شیطان رویش را برگرداند و گفت: من کسی را مجبور نکرده‌ام، اینها خودشان با پای خودشان آمده‌اند به دُکان من. گناهشان پای خودشان است ولی من از پروردگار جهانیان می‌ترسم!

تا آدمم جوابش را بدهم گفت: البته تو با این‌ها فرق داری! این‌ها بیچاره‌اند و ساده. اما تو مؤمن و زیرکی. سرت کلاه نمی‌رود.

حرف‌هایش آرامم می‌کرد. با خود گفتم راست می‌گوید این‌ها احمقند که گول شیطان را می‌خورند. اما من بهتر از این‌ها هستم و به این راحتی فریب نمی‌خورم.

در همین فکر بودم که شیطان ادامه داد: بیا این ردا را بگیر! لازم نیست چیزی در عوضش

بدهی. جایزه زرنگیت باشد. نتوانستم هدیه‌اش را رد کنم. ردا را گرفتم و از مغازه بیرون آمدم. خوشحال از اینکه بی‌عوض چیزی نصیبم شده. مردم در نظرم نادان بودند. در همین حال و هوا بودم که حس کردم چیزی از من کم شده. خوب گشتم. عباداتم نبود. به خدا پناه بردم. یعنی قیمتی‌ترین قسمت وجودم را کجا گذاشته بودم؟ یاد حرف‌های شیطان افتادم: «تو مؤمن و زیرکی با دیگران فرق داری!» عباداتم را همان‌جا از من دزدیده بود. حالا به جای ایمان، عجب دارم! اللهم لاتفسد عبادتی بالعجب!

۱. خودپسندی
۲. برداشتی آزاد از آیه دوازدهم سوره حجرات
۳. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): نگاه به نامحرم تیری زهرآلود از ناحیه شیطان است. هر کس از ترس خدا آن را ترک گوید، خدا به او ایمانی می‌دهد که شیرینی‌اش را در دل احساس کند (بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸)
۴. برداشتی آزاد از آیه شانزدهم سوره حشر
۵. دعای ۲۰ صحیفه سجاده

انتقادات، پیشنهادات و مطالب خود را برای ما ارسال کنید:
sangaremahalle@chmail.ir
 ۱۷۰ ۱۶۰ ۱۵۰ ۱۰۰۰
 لطفا قبل از متن پیامک نام محله و مسجد خود را بنویسید.

یک حرکت فرهنگی

چند سالی است شب‌های اول ماه صفر، فعالیت‌های عجیب بین عده‌ای شایع شده و انگار سال به سال رونقش دارد بیشتر می‌شود.

کوبیدن درب هفت مسجد و روشن کردن شمع جلوی درب‌شان.

به اینکه این سنت (یا به عبارت بهتر بدعت و خرافه) از کجا آمده و چطور فراگیر شده کاری نداریم. باید دید چطور می‌شود با آن مبارزه کرد. خود من امام جماعتی را می‌شناسم که شب اول ربیع تا صبح جلوی درب مسجد ایستاد و با تک‌تک مراجعه‌کنندگان به صحبت و نصیحت پرداخت. اما در این شماره

می‌خواهیم یک حرکت فرهنگی محلی را معرفی کنیم. حرکتی که به صورت خودجوش توسط جمعی از جوانان محله انجام شد.

طراحی و چاپ دو کاغذ A۳ با موضوع

نظر مراجع عظام در مورد اعمال خرافه شب اول ربیع و نصب آن در مساجد محله. ویژگی این کار این است که می‌تواند در همه جا تکرار شود و نیازی به بیان شیوا و شب بیداری ندارد!

نظر مراجع عظام در مورد اعمال خرافه شب اول ربیع

سوال: چند سالی است که شب اول ماه صفر، فعالیت‌های عجیب بین عده‌ای شایع شده و انگار سال به سال رونقش دارد بیشتر می‌شود. کوبیدن درب هفت مسجد و روشن کردن شمع جلوی درب‌شان. به اینکه این سنت (یا به عبارت بهتر بدعت و خرافه) از کجا آمده و چطور فراگیر شده کاری نداریم. باید دید چطور می‌شود با آن مبارزه کرد. خود من امام جماعتی را می‌شناسم که شب اول ربیع تا صبح جلوی درب مسجد ایستاد و با تک‌تک مراجعه‌کنندگان به صحبت و نصیحت پرداخت. اما در این شماره می‌خواهیم یک حرکت فرهنگی محلی را معرفی کنیم. حرکتی که به صورت خودجوش توسط جمعی از جوانان محله انجام شد. طراحی و چاپ دو کاغذ A۳ با موضوع

این کاربرد نظر مراجع عظام هیچ دلیل روایی و عقلی ندارد

از همین حالا خودتان را برای یک حرکت فرهنگی در شب اول ربیع سال بعد آماده کنید. برای دریافت طرح رنگی با کیفیت بالا می‌توانید به سایت masjednama.ir مراجعه کنید.